

مبانی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

فرید زرغامی^{۱*}، نسرين مهرا^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۶/۲۲

دریافت: ۹۲/۱۲/۲۶

چکیده

رسیدگی بدون کیفرخواست یا اختصاری یکی از ساز و کارهایی است که نظام‌های حقوقی به منظور تأمین سرعت در رسیدگی‌های کیفری با حذف پاره‌ای از تشریفات رسیدگی، پیش‌بینی کرده‌اند. این شیوه عمدتاً ناظر به جرائم سبک بوده، حذف این تشریفات به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که به اصول دادرسی عادلانه خللی وارد نکند. دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران شامل دادرسی مستقیم در دادگاه، جلب به دادرسی توسط دادگاه و ادعای شفاهی دادستان در دادگاه است که در این میان دادرسی مستقیم که بحث برانگیزترین شیوه دادرسی بدون کیفرخواست به شمار می‌آید ناظر به عدم مداخله نهاد دادرسی در امر تحقیقات مقدماتی بوده، در این شیوه، تحقیقات مقدماتی نیز به عهده مرجع رسیدگی است. عدم تفکیک نهاد تحقیق از نهاد رسیدگی، بی‌طرفی نهاد رسیدگی را با تردیدهای جدی مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، توسعه قلمرو دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران به مجازات‌های شرعی مانند حد زنا و لواط که بعضاً منتهی به سلب حیات و رجم می‌گردد و همچنین اعطای صلاحیت گستره به دادگاه‌های بخش که در جرائم خارج از صلاحیت دادگاه کیفری استان به شیوه بدون

Email: Farid Zarghami@gmail.com:

* نویسنده مسؤول مقاله:



فرید ضرغامی و همکار _____ مبانی دادرسی بدون کیفرخواست و...

کیفرخواست مبادرت به رسیدگی و صدور حکم می‌کنند گستره این نوع دادرسی را در ایران از منظر دادرسی عادلانه مواجهه با ابهامات قابل توجه کرده است.

این امر در حالی است که در نظام حقوقی انگلستان دادرسی بدون کیفرخواست ناظر به حذف هیأت منصفه از رسیدگی کیفری دادگاه صلح در برخی جرائم نسبتاً سبک و بدون نقض بی‌طرفی مرجع رسیدگی است.

در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های این الگوی دادرسی به چرایی گستره و تمایزات این الگوی دادرسی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: دادرسی بدون کیفرخواست، تحقیقات مقدماتی، اصل بی‌طرفی، دادگاه صلح، دادرسی عادلانه

1. مقدمه

استقرار عدالت ماهوی در فرایند قضایی منوط به تحقق عدالت شکلی است و حصول نتیجه عادلانه در این فرایند نیاز به دادرسی عادلانه دارد. دادرسی عادلانه مستلزم تضمین‌های نهادی و ساختاری مانند استقلال و بی‌طرفی و مراعات اصول و قواعدی همچون برابری سلاح‌ها، علنی بودن دادرسی، محاکمه حضوری، براءت و اصل سرعت است. «توازن میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی مستلزم آن است که از یک سو، حکومت برای اجرای حقوق کیفری، پیگرد و مجازات مجرمان قدرت کافی داشته باشد و از سوی دیگر محدودیت‌هایی بر قدرت حکومت وارد شود تا مأموران حکومت نتوانند آزادی و حریم خصوصی و اموال مردم را تهدید کنند. همان‌گونه که اگر شهروندان کنترل نشوند مرتکب جرم می‌شوند، مأموران حکومت نیز در صورت کنترل نشدن از قدرت خود سوء استفاده می‌کنند. لازمه این تعادل و توازن در رسیدگی کیفری، عادلانه بودن دادرسی کیفری است» [1، ص 30]. اصل سریع بودن دادرسی «برای تضمین دادرسی عادلانه نقشی تعیین‌کننده دارد، زیرا تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف

حافظه و فراموشی شهود گردد. به‌علاوه، سرعت محاکمه، فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند. اهمیت این حق به‌ویژه در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می‌برد دو چندان می‌گردد» [2، ص 239]. نظام‌های حقوقی به منظور تأمین سرعت در رسیدگی‌های کیفری، ساز و کارهای مختلفی را پیش‌بینی کرده‌اند که از جمله می‌توان به شیوه رسیدگی اختصاری یا بدون کیفرخواست اشاره کرد. این ساز و کارها «عمدتاً ناظر به جرائم کم‌اهمیت است؛ زیرا تسریع رسیدگی در جرائم مهم یعنی جرائمی که مجازات‌های حبس طولانی یا اعدام دارد به لحاظ اهمیت و پیچیدگی طبع قضایی آن‌ها محتاج به رسیدگی مفصل است» [3، ص 156]. از طرف دیگر حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، امروزه به یکی از اساسی‌ترین حقوق آدمیان بدل شده است. بی‌طرفی ناظر به عدم پیش‌داوری یا جانبداری نسبت به یکی از طرفین دعوا بوده، مستلزم بی‌طرفی دادگاه و همچنین بی‌طرفی قاضی رسیدگی‌کننده است. در این میان، بررسی «دادرسی بدون کیفرخواست» در نظام حقوقی ایران از منظر دادرسی عادلانه حائز اهمیت بوده، چالش‌هایی که این شیوه دادرسی با برخی از اصول دادرسی عادلانه دارد ما را بر آن داشت که مبانی دادرسی بدون کیفرخواست را به لحاظ جایگاهی که این شیوه دادرسی در نظام حقوقی انگلستان دارد مورد مطالعه تطبیقی قرار دهیم. دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران از نوع دادرسی مستقیم (در حال حاضر موضوع تبصره 3 ماده 3 اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381 و در جرائم درجه هفت و هشت موضوع ماده 340 قانون آیین دادرسی کیفری 1392) است و به لحاظ وحدت مرجع تحقیق و رسیدگی، بی‌طرفی مرجع رسیدگی را مواجه با چالش ساخته، از این حیث با اصول دادرسی عادلانه مغایرت دارد. از طرف دیگر در این نوع دادرسی به لحاظ این‌که مرجع رسیدگی از همه ابزارهای لازم برای تحدید آزادی‌ها و حقوق متهم از جمله صدور قرارهای منتهی به بازداشت و همچنین انجام هر نوع تحقیقی علیه متهم برخوردار است با اصل برابری سلاح‌ها که لازمه یک دادرسی عادلانه است مغایرت دارد. در این نوشتار به



دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که اولاً وجوه تمایز و تشابه این الگوی دادرسی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان چیست؛ ثانیاً با توجه به حذف پاره‌ای از تشریفات رسیدگی کیفری در دادرسی بدون کیفرخواست آیا این امر خللی به ارکان دادرسی عادلانه وارد کرده است؛ و ثالثاً چه راهکارهایی برای بهبود الگوی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران وجود دارد.

برای پاسخ به این پرسش‌ها به بررسی ویژگی‌ها، چرایی و گستره این شیوه دادرسی خواهیم پرداخت.

2. ویژگی‌های دادرسی بدون کیفرخواست

هرچند در دادرسی بدون کیفرخواست در هر دو نظام حقوقی، رسیدگی در دادگاه، بدون صدور کیفرخواست صورت می‌گیرد، به لحاظ تفاوت‌های ساختاری نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، ویژگی‌های دادرسی بدون کیفرخواست به تفکیک در این دو نظام حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

2-1. نظام حقوقی ایران

تعبیر دادرسی بدون کیفرخواست هیچ‌گاه مستقیماً موضوع متون قانونی در نظام حقوقی ایران قرار نگرفته و از طرف دیگر دکتترین حقوقی نیز کم‌تر درخصوص این مفهوم و اوصاف آن به بحث و بررسی پرداخته و همین امر، ارائه تعریف دقیقی از این مفهوم را که جایگاه و نقش هر یک از کنشگران دادرسی کیفری به نحو روشنی در آن مشخص شده باشد با دشواری‌هایی همراه می‌سازد.

بیشترین سابقه ذهنی از این مفهوم در نظام حقوقی ایران مربوط به قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال 1373 است. به موجب این قانون که «با شعار مراجعه مستقیم به قاضی» به تصویب رسید، بدون مراجعه به دادرسی و بدون

کیفرخواست، دعوی جزایی در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد [4، ص 118].
با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال 1381 دادرسی بدون کیفرخواست موضوع تبصره 3 اصلاحی ماده 3 قانون مذکور قرار گرفت، به نحوی که مقرر گردید: «پرونده‌هایی که موضوع آن‌ها جرائم مشمول حد زنا و لواط است، همچنین جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می‌باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود» که در این راستا «کلیه تحقیقات توسط و تحت‌الامر دادگاه خواهد بود».¹ این تبصره بعد از بند «و» ماده 3 اصلاحی مذکور که تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم را بر عهده بازپرس نهاده آمده و می‌توان گفت که با تصویب این قانون، دو الگوی دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شد که در یک شیوه که می‌توان آن را دادرسی مبتنی بر کیفرخواست نامید با انجام تحقیقات مقدماتی به وسیله بازپرس، چنانچه عقیده بر مجرمیت وجود داشته باشد پرونده منتهی به صدور کیفرخواست توسط دادستان می‌شود و رسیدگی در دادگاه بر مبنای کیفرخواست صادره صورت می‌گیرد و در شیوه دیگر موسوم به دادرسی بدون کیفرخواست، پرونده بدون انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا و بدون صدور کیفرخواست «مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود» [5، ص 158].

تمایز این دو الگوی دادرسی در ایران در تفکیک مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی نمایان‌تر می‌گردد؛ به نحوی که در دادرسی مبتنی بر کیفرخواست، دادستان متولی امر تعقیب است و تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس صورت می‌گیرد و رسیدگی در دادگاه انجام می‌شود، در حالی که در دادرسی بدون کیفرخواست به لحاظ این‌که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، علاوه بر رسیدگی کلیه تحقیقات مقدماتی نیز توسط دادگاه صورت می‌گیرد. با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال 1392 دادرسی بدون کیفرخواست از تنوع و گستره بیش‌تری برخوردار گردید؛ به نحوی که

1. ماده 15 آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381/11/9.



در کنار طرح مستقیم پرونده در دادگاه‌های کیفری که به معنای عدم مداخله نهاد دادرسی در انجام تحقیقات مقدماتی بود در ماده 335 قانون آیین دادرسی کیفری جدید، قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه و همچنین ادعای شفاهی دادستان در دادگاه پیش‌بینی گردیده که در این موارد تحقیقات مقدماتی توسط دادرسی صورت می‌گیرد. ولی رسیدگی کیفری در دادگاه بدون صدور کیفرخواست است. با این وصف دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری ناظر به شیوه‌ای از دادرسی بوده که نهاد دادرسی مداخله‌ای در انجام تحقیقات مقدماتی نداشته و با تصویب این قانون دادرسی بدون کیفرخواست به شیوه‌ای از رسیدگی کیفری گفته می‌شود که دادگاه‌های کیفری بدون این‌که کیفرخواستی از ناحیه دادستان صادر شده باشد شروع به رسیدگی و محاکمه می‌کنند که با این وصف علاوه بر دادرسی مستقیم، شامل موارد صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه و ادعای شفاهی دادستان در دادگاه نیز می‌گردد.

2-2 نظام حقوقی انگلستان

به لحاظ تفاوت‌های ساختاری، دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان، دارای ارکانی متفاوت با این نوع دادرسی در نظام حقوقی ایران است. در تعریف این نوع دادرسی آمده است که: «یک دادرسی بدون هیأت منصفه که به یک شیوه نسبتاً ساده و سریع، یک اختلاف را حل می‌کند یا پرونده‌ای را فیصله می‌دهد» [6، ص 568]. البته در متون حقوقی انگلیسی، مفهوم دادرسی اختصاری در تبیین مفهوم جرائم اختصاری مورد توجه قرار گرفته، به نحوی که در تعریف جرائم اختصاری آمده است: «این جرائم بدون حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند؛ از جمله جرائم رانندگی سبک، ضرب و جرح معمولی و غیره» [7، ص 116]. به عبارت دیگر جرائم اختصاری در نظام حقوقی انگلستان به جرائمی گفته می‌شود که مبتنی بر یک دادرسی اختصاری مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

با ملاحظه تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که دادرسی بدون کیفرخواست در انگلستان شیوه‌ای از دادرسی کیفری است که در دادگاه‌های صلح و اطفال بدون حضور هیأت منصفه به شیوه‌ای سریع و ساده اعمال می‌گردد و وصف اساسی این نوع دادرسی، عدم حضور و مداخله هیأت منصفه در رسیدگی است.

در مقایسه دادرسی بدون کیفرخواست و دادرسی مبتنی بر کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان می‌توان دریافت که تمایز این دو شیوه دادرسی ناظر به مرحله رسیدگی است و مراحل تعقیب و تحقیقات مقدماتی در هر نوع دادرسی به یک شکل صورت می‌پذیرد و تفاوت این دو شیوه دادرسی از مرحله رسیدگی در دادگاه آغاز می‌شود؛ بدین نحو که دادرسی بدون کیفرخواست بدون حضور هیأت منصفه بوده، از تشریفات مرحله رسیدگی کاسته شده است.

نقطه اشتراک این نوع دادرسی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، عدم صدور کیفرخواست برای رسیدگی است. به عبارت دیگر در این شیوه دادرسی در هر دو نظام حقوقی، رسیدگی بدون صدور کیفرخواست صورت می‌گیرد و تمایز آشکاری که این شیوه دادرسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان دارد آن است که وصف اساسی دادرسی بدون کیفرخواست از نوع دادرسی مستقیم در نظام حقوقی ایران، عدم مداخله نهاد دادرسی در انجام تحقیقات مقدماتی و انجام این امر از جانب دادگاه است و عملاً در این شیوه دادرسی، امر تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و بعضاً امر تعقیب نیز در مرجع واحد صورت می‌گیرد؛ ولی در انگلستان، در دادرسی بدون کیفرخواست همچون دادرسی مبتنی بر کیفرخواست، نهاد تعقیب از نهاد تحقیق و رسیدگی مجزا است و هر یک از این مراحل به تفکیک، توسط نهادهای مربوطه صورت می‌گیرد. به علاوه در نظام حقوقی انگلستان، دادرسی بدون کیفرخواست به مفهوم عدم مداخله هیأت منصفه در امر رسیدگی و سپردن قضاوت در امور موضوعی و حکمی به دادگاه است؛ چه آن‌که در دادرسی مبتنی بر کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان قضاوت در خصوص امور موضوعی با هیأت منصفه و امور حکمی با قاضی دادگاه است، در حالی که در



نظام حقوقی ایران هیأت منصفه صرفاً در جرائم سیاسی و مطبوعاتی حضور دارد و در سایر جرائم مبتنی بر کیفرخواست، هیأت منصفه حاضر نیست. تمایز آشکار دیگری که این نوع دادرسی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان دارد آن است که دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان مختص دادگاه‌های صلح و اطفال است، در حالی که در نظام حقوقی ایران کلیه محاکم کیفری اعم از کیفری¹، کیفری²، انقلاب، بخش و اطفال به نحوی واجد دادرسی بدون کیفرخواستند.

3. چرایی دادرسی بدون کیفرخواست

در این مبحث برآنیم که امتیازات و فلسفه پیدایش این نوع دادرسی را مورد ارزیابی قرار دهیم و در چهار بند این موضوع را مورد کنکاش قرار خواهیم داد.

3-1. تسریع در رسیدگی

همان طور که بیان شد دادرسی بدون کیفرخواست در ایران در حال حاضر عملاً به حذف مداخله دادسرا در فرایند رسیدگی کیفری منتهی می‌شود که این امر در جرائم غیرمهم که با مجازات‌های سبک همراه است توجیه بوده، نظام عدالت کیفری در یک بازه زمانی کوتاه نسبت به نقض مقررات واکنش نشان خواهد داد. که این واکنش سریع به لحاظ جرم‌شناختی نیز قابل تأمل است. به تعبیر سزار بکاریا «هرچه فاصله میان ارتکاب جرم و مجازات کوتاه‌تر شود، مجازات عادلانه‌تر و مفیدتر خواهد بود. می‌گوییم عادلانه‌تر، زیرا در نتیجه آن، مجرم از زنج‌های بیهوده و بی‌رحمانه ناشی از نامطلوبی‌رهای خواهد یافت و چون محرومیت از آزادی خود نوعی مجازات است نباید پیش از تعیین مجازات به کار گرفته شود، مگر این‌که ضرورتی ایجاب کند. گفته ام اجرای فوری مجازات مفیدتر است؛ زیرا هرچه زمان بین ارتکاب جرم و مجازات کمتر باشد، ارتباط میان دو مفهوم جرم و مجازات در ذهن انسان پایدار و قوی‌تر است [8، ص 38].

در نظام حقوقی انگلستان نیز دادرسی اختصاری سریع‌تر از دادرسی مبتنی بر کیفرخواست است. «دادرسی اختصاری از حیث زمانی کم‌تر از دادرسی در دادگاه جزا به طول می‌انجامد. یک پرونده که نصف یک روز در دادگاه صلح به طول می‌انجامد احتمالاً یک روز کامل در دادگاه جزا زمان می‌برد. این موضوع به این معنا است که دادرسی اختصاری سریع‌تر است [9، ص 217]. تشریفات دادرسی اختصاری در انگلستان از دادرسی مبتنی بر کیفرخواست که مستلزم فرایند ارائه دلیل و الزاماً حضور متهم و اخذ دفاعیات وی و اخذ نظر هیأت منصفه است کم‌تر بوده، به همین دلیل مدت زمان یک دادرسی اختصاری کوتاه‌تر از دادرسی مبتنی بر کیفرخواست است. در کنار سرعت و مدت زمان دادرسی، نکته حائز اهمیت آن است که این سرعت نباید بر وصف عادلانه و منصفانه بودن دادرسی کیفری و حقوق دفاعی متهم خدشه‌ای وارد آورد و تضمینات لازم در این خصوص باید وجود داشته باشد. در این راستا با توجه به فلسفه وضع این نوع دادرسی در نظام حقوقی ایران و انگلستان آنچه مشخص است تسریع در رسیدگی را در نظام حقوقی انگلستان می‌توان به‌عنوان یک ویژگی در همه دادرسی‌های بدون کیفرخواست مورد توجه قرار داد؛ ولی این موضوع صرفاً در بخشی از دادرسی‌های بدون کیفرخواست در ایران به‌عنوان فلسفه وضع آن به شمار می‌رود و همچنان که گفته شده «فلسفه وضع تبصره 3 ماده 3 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب حفظ حیثیت افراد و جلوگیری از ورود آسیب‌های روانی نسبت به اطفال و ممانعت از انتشار و اشاعه مسائل مربوط به این‌گونه جرائم و در سایر موارد جلوگیری از اطلاع دادرسی و تسریع در رسیدگی است و به همین لحاظ قانونگذار در جرائمی که مستوجب حد زنا و لواط است و همچنین در جرائم ارتكابی اطفال مقرر داشته پرونده مستقیماً در دادگاه مربوطه مطرح شود و مرحله انجام تحقیقات مقدماتی در دادرسی حذف کرده است».¹ قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای تأمین سرعت در رسیدگی‌های کیفری شیوه دیگری از دادرسی بدون کیفرخواست را در ماده 86 این

1. نظریه مشورتی شماره 7/3004 مورخ 82/10/15 اداره کل حقوقی قوه قضاییه.



قانون موسوم به ادعای شفاهی دادستان در دادگاه، پیش‌بینی کرده که در غیر جرائم موضوع ماده 302 این قانون قابلیت اعمال دارد. شرط اعمال این ماده آن است که متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد که در این شرایط دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. این موضوع سابق بر این در بند «ب» ماده 59 قانون آیین دادرسی کیفری 1290 به صورت طرح ادعای شفاهی دادستان در جرائم جنحه پیش‌بینی شده بود که با از بین رفتن تقسیم‌بندی جرائم به جنایت، جنحه و خلاف و همچنین حذف دادسرا از نظام قضایی ایران عملاً منسوخ گردیده بود.

3-2. کاهش هزینه‌های اقتصادی

«ادارسی اختصاری ارزان‌تر و سریع‌تر از دادرسی مبتنی بر کیفرخواست است. اگر متهم دادرسی به وسیله دادگاه صلح را انتخاب کند و مقصر شناخته شود هرگونه دستور برای پرداخت هزینه تعقیب، مطمئناً این واقعیت را که او کم‌هزینه‌ترین روش را انتخاب کرده است بیان می‌کند [10، ص 136]. در برخی موارد به لحاظ این‌که جرائم از پیچیدگی کم‌تری برخوردارند و همچنین شدت جرم بالا نیست نظام عدالت کیفری می‌تواند از ساز و کارهای ساده‌تر و غیررسمی‌تر برای پیگردجرم استفاده کند تا هزینه‌های کم‌تری متوجه دستگاه عدالت کیفری گردد و از طرف دیگر از توان و ظرفیت نظام عدالت کیفری برای جرائم پیچیده‌تر استفاده شود. این امر به‌ویژه در کشور ما که دستگاه عدالت کیفری از استقلال مالی لازم برخوردار نیست و بعضاً این عدم استقلال مالی و وابستگی به قوه مجریه بر برخی کارکردهای دستگاه عدالت تأثیر می‌گذارد از ضرورت بیش‌تری برخوردار است؛ چه آن‌که بعضاً در چالش‌هایی که بین قوه مجریه و قوه قضاییه پیش آمده، قوه مجریه تهدید به استفاده از ابزارهای مالی جهت خلع سلاح

کردن دستگاه قضایی کرده است.

لذا توسعه دادرسی‌های بدون کیفرخواست البته با رعایت تضمینات لازم جهت بهره‌مندی طرفین دعوا از یک دادرسی منصفانه در مواردی که جرائم از شدت و پیچیدگی کم‌تری برخوردارند می‌تواند در کاهش هزینه‌های اقتصادی دستگاه عدالت کیفری مؤثر باشد.

3-3. دادرسی بدون کیفرخواست در جرائم اطفال

تحت تأثیر دیدگاه‌های جرم‌شناختی، اطفال بزهکار مشمول تدابیر و مقررات ویژه‌ای قرار گرفتند که مواردی همچون تشکیل پرونده شخصیت، تخصصی بودن مراجع قضایی، متخصص بودن قاضی، انعطاف‌پذیر بودن دادرسی، تنوع تدابیر و پاسخ‌ها که ویژگی‌های بارز آن‌ها پرورشی، امدادی، حمایتی، و نظارتی بودن آن‌ها است، از جمله این موارد محسوب می‌گردد» [11، ص 9]. این رویکرد افتراقی منجر به تصویب قوانین در سطح داخلی کشورها و همچنین اسناد بین‌المللی گردید که از جمله می‌توان به ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «در مورد اشخاص صغیر رسیدگی باید به نحوی باشد که سن و بازپروری آنان مورد توجه قرار گیرد» و یا ماده 40 کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «دولت‌های طرف کنوانسیون حقوق کودکی را که مورد اتهام قرار گرفته و یا ناقض قوانین کیفری تشخیص داده شده آن‌گونه مورد رسیدگی و توجه قرار می‌دهند که متناسب با تقویت احساس شخصیت و اعتبار در کودک باشد» [12، ص 56].

در نظام حقوقی ایران دادرسی افتراقی اطفال با قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار در سال 1338 آغاز گردید و با گذر زمان و تحولات تقنینی بعد از انقلاب به قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال 1378 رسید. در زمان حاکمیت این قانون محاکم عمومی در یک دادرسی بدون کیفرخواست به کلیه جرائم رسیدگی می‌کردند و طبق ماده 219 قانون آیین دادرسی مذکور، در صورت نیاز در هر



حوزه قضایی یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرائم اطفال اختصاص داده می‌شدند که به تبع دادرسی حاکم بر دادگاه‌های عمومی، این شعب نیز به شیوه بدون کیفرخواست به اتهامات اطفال رسیدگی می‌کردند. با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی در سال 1381 و احیای دادرسی و حاکم شدن دادرسی مبتنی بر کیفرخواست بر نظام حقوقی، قانونگذار در بیان موارد دادرسی بدون کیفرخواست، جرائم اطفال را نیز در تبصره 3 ماده 3 اصلاحی قانون مذکور احصا کرد و به لحاظ همان رویکرد افتراقی حاکم بر دادرسی اطفال، جرائم اطفال، ناظر بر رسیدگی به اتهام دختران و پسرانی که به ترتیب زیر 9 سال و 15 سال قمری دارند، را از فرایند دادرسی مبتنی بر کیفرخواست خارج ساخت و امر تحقیقات مقدماتی و تعقیب جرائم این افراد را در اختیار دادگاه اطفال گذاشت. در نظام حقوقی انگلستان «به اتهام یک طفل معمولاً به وسیله قضات ماجستری در یک شکل خاص دادگاه مجرمین که دادگاه اطفال نامیده می‌شود رسیدگی می‌گردد» [10، ص 183] و بجز موارد استثنایی رسیدگی در این دادگاه بدون کیفرخواست بوده، تابع تشریفات رسیدگی‌های مبتنی بر کیفرخواست نیست و علاوه بر این نهادهای نوین نظام عدالت کیفری کودکان همچون مددکاری اجتماعی، پلیس ویژه اطفال، هیأت اطفال و نوجوانان بزهکار، کمیسیون محلی اطفال بزهکار و هیأت عدالت اطفال در کنار دادگاه ویژه اطفال کمک کرده، یک نظام دادرسی افتراقی را برای اطفال بزهکار محقق می‌سازند. با این وصف، در بحث از چرایی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، شرایط ویژه اطفال و به تبع آن دادرسی ویژه آن‌ها یکی از علل توجیه این نوع دادرسی است.

3-4. دادرسی بدون کیفرخواست در جرائم منافی عفت

در نظام حقوقی ایران یکی از موارد دادرسی بدون کیفرخواست بعد از تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب پرونده‌هایی است که موضوع آن‌ها مشمول حد زنا و لواط است. در این موارد قانونگذار به اعتبار ماهیت این جرائم و

صرفنظر از میزان مجازات، دادرسی بدون کیفرخواست را تجویز کرده است. در توجیه این موضوع گفته شده که «با این‌که قبل از رسیدگی دادگاه به هر اتهامی باید قبلاً تحقیقات مقدماتی نسبت به آن در داسرا انجام گرفته و به لحاظ قوی بودن دلایل توجه اتهام به متهم، قرار مجرمیت و کیفرخواست در مورد آن صادر شده باشد تا دادگاه اقدام به محاکمه متهم نماید؛ اما قانون در برخی موارد یا به دلیل اهمیت اندک جرم مورد ادعا یا به لحاظ شخصیت آسیب‌پذیر متهم یا به دلیل جلوگیری از انتشار خبر ارتکاب برخی جرائم که آن را موجب اشاعه فحشا دانسته، رسیدگی بدوی در دادگاه بدون انجام تحقیقات مقدماتی در داسرا را مقرر کرده است» [5، ص 157]. لذا جلوگیری از انتشار خبر ارتکاب جرائم مستوجب حدزنا و لواط که موجب اشاعه فحشا دانسته شده به‌عنوان چرایی تجویز دادرسی بدون کیفرخواست برای این جرائم تلقی شده است و در نظری دیگر «فلسفه ممنوعیت داسرا از تحقیق در پرونده‌های زنا و لواط، مصلحت عمومی، صیانت از نظم و اخلاق حسنه و جلوگیری از شیوع فساد» اعلام شده است. این موضوع سابق بر این در تبصره ماده 43 قانون آیین دادرسی کیفری با بیانی دیگر به این شکل آمده بود: «تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود باشد یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد». در همین راستا ماده 241 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 به نحو بهتری دامنه تحقیق در خصوص این جرائم را مشخص کرده و مقرر داشته که هرگونه تحقیق و بازجویی در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم ممنوع است. در عین حال موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که در حکم ارتکاب به عنف می‌باشد از شمول این حکم مستثنا کرده است.

در این خصوص گفته شده که «منظور از جرائم منافی عفت جرائمی همچون زنا، لواط، مساحقه، رابطه نامشروع و مانند آن‌ها است که تا قبل از تصویب این قانون همواره به لحاظ بازجویی از متهمان توسط ضابطین دادگستری یا قضات به دلیل



مغایرت با هدف کیفری اسلام دایر بر استتار و مخفی ماندن آن‌ها جهت جلوگیری از اشاعه فحشا مورد انتقاد واقع شده است» [13، ص 117]. در همین رابطه و درخصوص نحوه مواجهه با جرائم مستوجب حد آمده است که «با تأمل در ادله اثبات حدود، چنین به نظر می‌رسد که نوع و نصاب ادله اثبات در جرائم، ارتباط محکمی با حق جامعه دارد. در یک جرم هرچه حقوق اجتماعی (حق الله) قوی‌تر و حق الناس خفیف‌تر باشد اثبات آن دشوارتر است و هرگاه حق افراد (حق الناس) قوی‌تر باشد اثبات آن آسان‌تر است. در تحلیل این سیاست کیفری می‌توان گفت که قانونگذار اسلام در مسیر حمایت جامعه از آثار منفی ناشی از جرائم حدی، نمی‌خواهد آسیب‌هایی مانند تجسس و تفتیش از درون اشخاص و جستجو از امور خصوصی آن‌ها بروز کند؛ زیرا اگر چنین چیزی تجویز شود باب عظیمی گشوده می‌شود که گناه و زیان آن‌ها بیش از نفعی است که از مجازات مرتکبان از جرائم حاصل خواهد بود» [14، ص 214]. لذا عمده تأکید درخصوص جرائم مستوجب حد، سیاست کیفری اسلامی مبنی بر جلوگیری از اشاعه فحشا و منع تجسس در امور شخصی افراد است؛ ولی موضوع قابل ملاحظه در این خصوص ارتباط این موضوع با تجویز دادرسی بدون کیفرخواست در این جرائم است که نکاتی را به ذهن متبادر می‌سازد: اولاً جرائم مستوجب حد بعضاً مواجه با مجازات‌های سنگینی همچون قتل و رجم می‌گردد که به لحاظ سنگینی مجازات، حفظ حقوق متهم مستلزم یک دادرسی عادلانه است و سپردن رسیدگی به مرجعی که خود متولی تحقیقات بوده، دلایل علیه متهم را جمع‌آوری کرده، و با ذهنیت تحقیقات مبادرت به رسیدگی می‌کند بی‌طرفی مرجع رسیدگی را با تردیدهای جدی مواجه می‌سازد. لذا اولین چالش عمده درخصوص دادرسی بدون کیفرخواست این جرائم، چالش‌های آن با دادرسی عادلانه و عدم تفکیک مرجع تحقیق و رسیدگی است. ثانیاً در برخی موارد، این جرائم مستلزم انجام تحقیقات سریع و دقیقند تا دلایل جرم از بین نرود. در مواردی همچون زنا به عنف و اکراه و تجاوزات جنسی که دارای شاکی خصوصی است، در نظام دادرسی و در صورت سپردن امر تحقیق به بازپرس، جمع‌آوری ادله به مراتب

راحت‌تر و به نحو بهتری صورت می‌گیرد و با توجه به این‌که در سطح یک استان معمولاً دادگاه کیفری استان که متولی رسیدگی به این جرائم باشد صرفاً در مرکز استان دایر است تا هنگام ارسال پرونده و اعزام متهم یا شاکی به آن مرجع، زمان طلایی تحقیقات از بین می‌رود و اگر این امر مصادف با ایام تعطیل نیز باشد انجام تحقیقات با مشکلات جدی‌تر مواجه خواهد شد. ثالثاً قبل از انقلاب اسلامی مقررات موضوعه بعضاً به تأیید علمای فاضلی همچون مرحوم مدرس رسیده و بعد از انقلاب نیز قوانین دادرسی دچار تغییرات و تحولات متعددی گردیده و ذیل عنوان اسلامی کردن مقررات دادرسی، جهت‌گیری‌های متفاوت و بعضاً متعارضی وجود داشته که همگی با ادعای مطابقت با شرع به تصویب رسیده تا جایی که در زمان تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ایجاد محاکمی با صلاحیت عام و حذف نهاد دادرسی طرفداران این قانون مدعی احیای نظام دادرسی اسلامی بودند و پنج سال بعد و با تغییراتی که در سطح مدیریت دستگاه قضایی صورت گرفت فقیهی دیگر خواستار احیای دادرسی و بازگشت به نظام دادرسی شد. بنابراین در خصوص مقررات شکلی یا آیین دادرسی، لزوماً نمی‌توان از یک نسخه واحد به‌عنوان تنها نسخه شرعی سخن گفت و بقیه شیوه‌ها را خلاف شرع دانست و در این خصوص باید با احتیاط بیشتری برخورد کرد. رابعاً با نگاهی به ادله اثبات بزه‌های زنا و لواط مستوجب حد آنچه مسلم است سخت‌گیری در شیوه‌های اثبات به جهت حفظ حقوق و کرامت انسانی است و به اقتضای این امر باید شیوه و آیین دادرسی این جرائم به گونه‌ای باشد که حقوق انسانی در معرض تضییع قرار نگیرد. لذا دادرسی بدون کیفرخواست و سپردن رسیدگی به قضاتی که خود متولی تحقیقات هستند و بی‌طرفی آن‌ها در معرض تردید قرار دارد با این سیاست کیفری جهت حفظ حقوق و کرامت انسانی سازگار نیست؛ چه آن‌که این نوع دادرسی ممکن است به شدیدترین و سنگین‌ترین مجازات‌ها همچون قتل و رجم منجر گردد.



4. گستره دادرسی بدون کیفرخواست

برای بررسی گستره دادرسی بدون کیفرخواست این موضوع را در پنج قسمت دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای میزان مجازات، نوع جرم، مرجع رسیدگی و مرتکبین وهمچنین جلب به دادرسی توسط دادگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

4-1. دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای میزان مجازات

در نظام حقوقی انگلستان میزان مجازات از مؤلفه‌های اصلی تلقی یک جرم به‌عنوان جرم بدون کیفرخواست و در نتیجه دادرسی بدون کیفرخواست است. «نوع مجازاتی که دادگاه‌های صلح می‌توانند تعیین کنند اساساً مشابه مجازات‌هایی است که دادگاه جزا تعیین می‌کنند؛ هرچند که دایره اختیار دادگاه‌های صلح در ارتباط با شدت مجازات دارای محدودیت بیش‌تری است» [15، ص 670] و اساساً جرائم بدون کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان بر مبنای میزان مجازات توسط قانون موضوعه تعریف می‌شوند؛ به نحوی که جرائم اختصاری با مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا پنج هزار پوند مواجه می‌شوند، اما این محدودیت در جرائم مبتنی بر کیفرخواست وجود ندارد.

در نظام حقوقی ایران نیز میزان مجازات در تبصره 3 ماده 3 اصلاحی قانون مذکور مبنای دادرسی بدون کیفرخواست قرار گرفته، به نحوی که جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال است مستقیماً و بدون صدور کیفرخواست در دادگاه‌های مربوط مورد رسیدگی قرار می‌گیرند که البته با تصویب قانون شوراهای حل اختلاف و به موجب ماده 9 این قانون رسیدگی به «جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً تا سه میلیون ریال و یا سه ماه حبس می‌باشد» در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار گرفت و از صلاحیت رسیدگی

محاکم کیفری خارج گردید و می‌توان گفت که ماده 9 قانون مذکور میزان حداکثر مجازات دادرسی بدون کیفرخواست را تا مبلغ سه میلیون ریال افزایش و از این لحاظ نسبت به تبصره 3 ماده 3 اصلاحی مذکور گستره دادرسی بدون کیفرخواست را افزایش داده است. ماده 340 قانون جدید آیین دادرسی کیفری جرائم تعزیری درجه هفت و هشت را مشمول دادرسی بدون کیفرخواست قرار داده که با توجه به ماده 19 قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های حبس تا شش ماه، جزای نقدی تا بیست میلیون ریال، شلاق تا سی ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه را شامل می‌شود. همچنین با وجود سایر شرایط، جرائم تعزیری درجه پنج و شش مطابق ماده 86 قانون جدید آیین دادرسی کیفری از طریق طرح شفاهی ادعای دادستان در دادگاه، قابلیت رسیدگی بدون کیفرخواست می‌یابد.

4-2. دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای نوع جرم

قانونگذار ایرانی صرفنظر از میزان مجازات در پرونده‌هایی که موضوع آن‌ها مشمول حد زنا و لواط است رسیدگی به این جرائم را مستقیماً در دادگاه‌های مربوط و بدون کیفرخواست دانسته است. بنابراین در این جرائم صرفنظر از میزان مجازات که در برخی موارد مجازات سالب حیات و برخی موارد رجم و در موارد دیگر جلد (تازیانه) پیش‌بینی شده، شیوه دادرسی کیفری، بدون کیفرخواست است و قانونگذار در این موارد اعتنایی به میزان مجازات نداشته و سنگین‌ترین مجازات که سلب حیات بوده نیز در یک دادرسی بدون کیفرخواست قابلیت تعیین پیدا کرده است. این نوع دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای نوع جرم، در نظام حقوقی انگلستان پیش‌بینی نشده است. نکته قابل توجه آن‌که در ماده 306 قانون جدید آیین دادرسی کیفری به جای تعبیر «جرائم مستوجب حد زنا و لواط» از تعبیر «جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت»



استفاده شده است^۱ که این امر منتهی به توسعه گستره دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای نوع جرم ارتكابی می‌گردد و مواردی همچون تفخیز، مساحقه، قوادی و روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه و موارد منافی عفت دیگری که ذیل تعاریف مصطلح نمی‌گنجد را شامل می‌گردد. با این وصف قانون جدید آیین دادرسی کیفری در این قبیل موارد از دایره حدودخارج شده و به وادی تعزیرات نیز پا گذاشته و طبق مقررات جدید صرف منافی عفت بودن جرم، آن را مشمول دادرسی بدون کیفرخواست قرار می‌دهد.

4-3. دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای مرجع رسیدگی

در نظام حقوقی انگلستان دادگاه صلح به‌عنوان یک نهاد قدیمی در سال 1264 به وجود آمده و «به استثنای برخی موارد بسیار کم (به‌عنوان نمونه پرونده‌های کلاهبرداری شدید) تمامی پرونده‌های کیفری از دادگاه صلح آغاز می‌شود و 98 درصد از پرونده‌ها تنها توسط دادگاه صلح رسیدگی می‌شوند» [7، ص 116]. رسیدگی در این دادگاه به شکل اختصاصی و بدون کیفرخواست صورت می‌گیرد و رسیدگی مبتنی بر کیفرخواست در این دادگاه وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران رسیدگی بدون کیفرخواست به اعتبار مرجع رسیدگی در دادگاه‌های بخش وجود دارد و تنها شیوه دادرسی در این محاکم صرفنظر از نوع جرم و میزان مجازات، دادرسی بدون کیفرخواست است. به حکم تبصره الحاقی ماده 3 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های بخش صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم بجز جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری استان را دارند و در جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری استان، دادگاه‌های بخش تحت نظارت دادستان شهرستان مربوط تحقیقات مقدماتی را انجام داده، چنانچه نظر بر مجرمیت داشته باشند پرونده را با قرار مجرمیت جهت اقدامات

1. ماده 306 (لایحه آیین دادرسی کیفری): به جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

بعدی به نزد دادستان شهرستان ارسال می‌کنند و در سایر جرائم به شیوه بدون کیفرخواست امر رسیدگی کیفری را انجام می‌دهند. لذا دادرسی در دادگاه‌های بخش صرفنظر از میزان مجازات و نوع جرم صرفاً به اعتبار مرجع رسیدگی بدون کیفرخواست است. این امر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 نیز پیش‌بینی شده، به نحوی که ماده 336 این قانون مقرر داشته در دادگاه بخش، رئیس یا دادرسی علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. تفاوت عمده‌ای که قانون جدید آیین دادرسی کیفری با مقررات سابق دارد این است که صلاحیت رسیدگی بدون کیفرخواست دادگاه بخش، به جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو محدود شده، به نحوی که این صلاحیت صرفاً ناظر به جرائم تعزیری درجه پنج، شش، هفت و هشت است که حداکثر مجازات حبس قابل تعیین در آن‌ها مدت پنج سال است و با توجه به ایراد وارد به این نوع دادرسی از حیث عدم بی‌طرفی مرجع رسیدگی، کاهش صلاحیت رسیدگی کیفری این دادگاه‌ها امری قابلیت دفاع دارد.

4-4. دادرسی بدون کیفرخواست بر مبنای مرتکب جرم

یکی دیگر از معیارهای تعیین‌کننده نوع دادرسی کیفری، مرتکب جرم است. بر این مبنا تبصره 3 ماده 3 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقرر داشته که جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوط و بدون کیفرخواست مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در تبصره 1 ماده 49 قانون مجازات اسلامی (همچنین تبصره 1 ماده 219 قانون آیین دادرسی کیفری) آمده: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». بنابراین به موجب تبصره ماده 3 مذکور به جرائم افرادی که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند به شیوه بدون کیفرخواست رسیدگی خواهد شد و دادرسی کیفری در خصوص این افراد وفق مقررات مذکور منحصراً بدون کیفرخواست خواهد بود و به جرائم افرادی که بین سن بلوغ و 18 سالگی قرار دارند به حکم تبصره ماده 220 قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌گردد.



«بدین‌سان آیین دادرسی معمول در دادگاه‌های عمومی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان دوگانه است که خود عاری از ایراد حقوقی و مشکلات علمی نیست؛ زیرا این دادگاه‌ها از دو نوع آیین دادرسی تبعیت می‌کنند که اختصاصی بودن شعب ویژه اطفال، بدین ترتیب مخدوش می‌شود» [12، ص 80]. ماده 285 قانون جدید آیین دادرسی کیفری با تأمین دادرسی ویژه نوجوانان، تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال را بجز جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود در صلاحیت این دادسرا قرار داده و تبصره یک این ماده، تحقیقات مقدماتی تمام جرائم افراد زیر پانزده سال را به طور مستقیم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان دانسته است. تفاوت قابل ملاحظه‌ای که قانون جدید با مقررات قبلی دارد آن است که در حال حاضر ملاک برای دادرسی بدون کیفرخواست جرائم اطفال، سن بلوغ بوده، به جرائم افرادی که به سن بلوغ شرعی نرسیده‌اند به طور مستقیم و بدون کیفرخواست رسیدگی می‌گردد، در حالی که قانون جدید به جای بلوغ شرعی، سن پانزده سال را ملاک عمل دانسته و صرفنظر از پسر یا دختر بودن طفل، جرائم افراد زیر پانزده سال را خارج از صلاحیت دادسرا و به نحو بدون کیفرخواست در صلاحیت مستقیم دادگاه دانسته است.

در نظام حقوقی ایران برای اطفالی که به سن بلوغ نرسیده‌اند دادرسی مطلقاً بدون کیفرخواست است، ولی در نظام حقوقی انگلستان هرچند در جرائم اطفال اصل بردادرسی بدون کیفرخواست است، ولی برخی جرائم اطفال به شیوه مبتنی بر کیفرخواست مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. در انگلستان علیرغم این‌که ممکن است طفل زیر 14 سال سن داشته باشد به جرائم آن‌ها در یک دادرسی مبتنی بر کیفرخواست رسیدگی می‌گردد و در حقیقت شدیدترین جرائم که از سوی کودکان انجام می‌گیرد هنوز هم در دادگاه جزایی و با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، نه در دادگاه اطفال. جرائم قتل عمد و قتل غیرعمد، جرائمی که احتمالاً مجازات چهارده سال یا بیش‌تر زندان را برای یک بزرگسال در پی دارد (سرقت به عنف و آتش‌سوزی)، تعرض و مزاحمت منافی عفت، جرائم رانندگی منجر به مرگ (که احتمال ارتکاب آن از

سوی کودک بعید است) و جرائمی که در آن کودک به صورت مشارکت با یک بزرگسال در معرض اتهام قرار می‌گیرد، همگی در دادگاه جزا رسیدگی می‌شوند.

4-5. جلب به دادرسی توسط دادگاه

ماده 335 قانون آیین دادرسی کیفری 1392 یکی از موارد شروع به رسیدگی در دادگاه‌های کیفری را قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه دانسته است که به موجب ماده 274 همین قانون، دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. مطابق ماده 276 همین قانون پس از انجام اقدامات لازم از جانب بازپرس، پرونده از طرف وی به دادگاه ارسال می‌گردد. از مجموع مواد مذکور می‌توان چنین برداشت کرد که در کنار کیفرخواست دادستان، ادعای شفاهی دادستان در دادگاه و طرح مستقیم پرونده در دادگاه، شیوه دیگری برای ارسال پرونده به دادگاه پیش‌بینی شده که منتهی به یک رسیدگی بدون کیفرخواست می‌گردد. به عبارت دیگر در مواردی که قرار جلب به دادرسی از طرف دادگاه صادر می‌شود نیازی به صدور کیفرخواست نیست و دادرسی کیفری در دادگاه، بدون صدور کیفرخواست از جانب دادستان آغاز می‌گردد. جلب به محاکمه در ماده 178 قانون آیین دادرسی کیفری 1290 نیز پیش‌بینی شده بود که با توجه به حذف داسرا و پس از آن احیای داسرا به موجب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381، در خصوص قرار جلب به دادرسی تعیین تکلیف نشده بود و رویه غالب قضایی فعلی به استناد بند «ج» ماده 14 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381 که عنوان داشته دادگاه‌های کیفری فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست رسیدگی می‌کنند، آن است که چنانچه دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب، عقیده بر نقض قرار و جلب به محاکمه داشته باشد پرونده با صدور قرار مجرمیت طبق نظر دادگاه، و پس از آن صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شود و با این وصف قرار جلب به دادرسی در



وضعیت کنونی مشمول دادرسی مبتنی بر کیفرخواست است.

5. نتیجه‌گیری

دادرسی بدون کیفرخواست به‌عنوان یک الگوی دادرسی کیفری که کارکرد اصلی آن تأمین سرعت در رسیدگی‌های کیفری است جایگاه قابل توجهی در نظام‌های حقوقی مختلف یافته است. گرایش قانون جدید آیین دادرسی کیفری به توسعه موارد صلاحیت دادرسی بدون کیفرخواست، بیانگر تجربه موفق این الگوی دادرسی بعد از تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال 1381 است. در نظام حقوقی انگلستان نیز رویکرد قانونگذار به سمت توسعه موارد دادرسی بدون کیفرخواست است و حتی زمزمه‌هایی مبنی بر کاستن از موارد دادرسی مبتنی بر کیفرخواست از طریق محدود ساختن اختیارات متهم جهت انتخاب شیوه رسیدگی مبتنی بر کیفرخواست در جرائم دو وجهی در شرایطی که قضات دادگاه صلح خود را صالح به رسیدگی می‌دانند وجود دارد. به علاوه در نظام حقوقی انگلستان در برخی از جرائم مبتنی بر کیفرخواست نیز گرایش‌هایی در جهت محدود کردن حق محاکمه در حضور هیأت منصفه وجود دارد که نمایانگر عملکرد قابل قبول دادرسی بدون کیفرخواست در دادگاه صلح است. با این وصف با نگاهی به این الگوی دادرسی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، توجه به موارد ذیل می‌تواند منتهی به کارکردهای مناسب‌تر این الگوی دادرسی در نظام حقوقی ایران گردد.

1. در نظام حقوقی انگلستان، دادرسی بدون کیفرخواست ناظر به عدم مداخله هیأت منصفه در رسیدگی کیفری دادگاه صلح بوده، این امر خللی برای تفکیک مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی در فرایند دادرسی بدون کیفرخواست ایجاد نمی‌کند، در حالی که دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی ایران در شیوه غالب آن که دادرسی مستقیم در دادگاه است ناظر بر عدم مداخله نهاد دادرسی در امر تحقیقات مقدماتی و سپردن تحقیقات مقدماتی به دادگاه است که با این وصف بی‌طرفی مرجع رسیدگی در این شیوه

از دادرسی‌های بدون کیفرخواست در معرض تردید قرار دارد. شاید این موضوع در رسیدگی به جرائم سبک قابل چشم‌پوشی باشد؛ ولی در رسیدگی به جرائم سنگین می‌تواند منتهی به تضییع حقوق متهمان گردد.

2. دادرسی بدون کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان عمدتاً ناظر به جرائم سبک بوده، جرائم سنگین از شمول این نوع دادرسی خارجند؛ در حالی که در نظام حقوقی ایران علاوه بر جرائم سبک، برخی از جرائم سنگین نیز مشمول این نوع دادرسی هستند که با ماهیت و فلسفه این نوع دادرسی سازگاری ندارد.

3. اصل ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت و جلوگیری از اشاعه فساد منتهی به تجویز دادرسی بدون کیفرخواست در جرائم مشمول حد زنا و لواط، صرفنظر از میزان مجازات و وجود یا فقدان شاکی خصوصی و مشهود یا غیرمشهود بودن این جرائم شده است. این در حالی است که برخی از این جرائم همچون تجاوز به عنف که پیامدهای اجتماعی فراوانی دارد و در صورت اثبات، منتهی به مجازات سالب حیات می‌گردد نیاز به تحقیقات سریع و دقیق توسط مرجع تحقیق دارد و رسیدگی بدون کیفرخواست در دادگاه کیفری استان با توجه به شرایط تشکیل این دادگاه که با حضور هیأت قضایی پنج نفره که بعضاً از روحیات و شیوه‌های تحقیقی متفاوتی برخوردارند، علاوه بر مخدوش ساختن بی‌طرفی دادگاه، می‌تواند منتهی به از بین رفتن ادله جرم و فرار مجرم از مجازات گردد که جهت رفع این ایراد می‌توان از بین جرائم مذکور، مواردی را که دارای شاکی خصوصی است یا به نحو مشهود ارتکاب یافته و دارای مجازات‌های سنگین باشد به شیوه مبتنی بر کیفرخواست مورد رسیدگی قرار داد و سایر موارد مشمول دادرسی بدون کیفرخواست باشد.

4. دادرسی بدون کیفرخواست در ایران نیاز به توسعه در خصوص جرائم سبک و تحدید در خصوص جرائم سنگین دارد. ظرفیت دادرسی بدون کیفرخواست در جرائم سبک از وضعیت کنونی که فقط جرائمی را دربرمی‌گیرد که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا سه میلیون ریال باشد، بیش‌تر است. این موضوع



در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته؛ به نحوی که جرائم تعزیری درجه هفت و هشت مشمول دادرسی بدون کیفرخواست شده است که شامل مجازات حبس تا شش ماه و جزای نقدی تا بیست میلیون ریال است.

5. دادگاه‌های بخش که به غیر از جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری استان به سایر جرائم به شیوه بدون کیفرخواست رسیدگی می‌کنند که این صلاحیت گسترده با توجه به عدم تفکیک نهاد تحقیق از نهاد رسیدگی و عدم مراعات اصل بی‌طرفی مرجع رسیدگی از منظر دادرسی عادلانه قابل ایراد است. در این راستا رویکرد قانون جدید آیین دادرسی کیفری در کاستن از صلاحیت رسیدگی بدون کیفرخواست دادگاه بخش، قابل توجه است، به طوری که محدود به جرائم تعزیری درجه پنج، شش، هفت و هشت می‌شود که حداکثر مجازات حبس قابل پیش‌بینی در این جرائم، پنج سال حبس است؛ هرچند همین میزان صلاحیت نیز نیاز به بازنگری دارد.

6. منابع

- [1] ناجی، مرتضی، «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، ش 57-56، 1385.
- [2] فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، چ 2، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، 1389.
- [3] خزانی، منوچهر، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش، 1377.
- [4] مصالایی، علی رضا، «جرائم در صلاحیت مستقیم دادگاه و تکلیف دادرسی»، مجله تعالی حقوق، ش 7، مهر و آبان 1389.
- [5] خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چ 10، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، 1390.
- [6] Garner, Bryan, Blacks Iawdictionary, Thamson, 3thed, west, 2011.
- [7] هیأت پژوهشگران کاوندیش، نظام حقوقی انگلستان، ترجمه نسرین مهرا، تهران،

میزان، 1387.

[8] ولد، جرح و دیگران، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، 1380.

[9] Hungerford, Welch, Peter, criminal procedure and sentencing, 7thed, London and New York, Routledge, Cavendish, 2009.

[10] Sprack, John, a practical approach to criminal procedure, 11thed, London, Oxford University Press, 2008.

[11] عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، چ 2، تهران، مجد، 1388.

[12] مهرا، نسرین، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران، میزان، 1390.

[13] محمدی کشکولی، محمدرضا، دادگاه کیفری استان ساختار، صلاحیت و شیوه رسیدگی، تهران، بهنامی، 1390.

[14] ساجدی، محمد، حق الله و حق الناس در جرائم و مجازات‌ها (تبیین فقهی ماده 727 قانون مجازات اسلامی)، قم، نشر قضا.

[15] Ward, Richard and Akhtar, Amanda, English Legal system, 10thed, Oxford University Press, 2003.